گزارش ۲

زینب زرین



توقف حمایت‌های معیشتی در گردنه وعده‌ها

اعلام آمادگی دولت برای اجرای طرح‌های نوین معیشتی، مطالبه درباره زمان اجرا، منابع پایدار و اثر واقعی حمایت‌ها بر قدرت خرید خانوارها را دوباره مطرح می‌کند

اعلام فراهم شدن زیرساخت‌های اجرای طرح‌های نوین معیشتی، از جمله کالابرگ الکترونیکی، در حالی مطرح شده که سیاست حمایت از قدرت خرید خانوارها بارها میان مدل‌های نقدی و غیرنقدی، تغییر دهک‌های مشمول و طرح‌های موقت جابه‌جا شده است و همین سابقه، اعلام آمادگی جدید دولت را بیش از آنکه یک پایان تلقی کند، به نقطه‌ای برای مطالبه زمان‌بندی و منبع مالی تبدیل می‌کند، به‌ویژه آنکه قانون بودجه ۱۴۰۴ برای حمایت از طبقات کم‌برخوردار و افزایش اعتبار کالابرگ منابع مشخصی پیش‌بینی کرده بود، اما فشار هزینه خوراکی‌ها همچنان فاصله حمایت اسمی و هزینه واقعی خانوار را بیشتر کرده است و اکنون معیار سنجش وعده جدید باید میزان بهبود قدرت خرید مردم باشد.

دولت از فراهم شدن زیرساخت برای اجرای طرح‌های نوین معیشتی سخن گفته است، اما هنوز یک حلقه اساسی در این زنجیره خالی است و آن، توضیح دقیق درباره زمان آغاز، گروه‌های هدف، میزان اعتبار و منبع تأمین آن است. ضمناً کالابرگ نیز پدیده جدیدی در سیاست حمایتی نیست و در دوره‌های مختلف با مدل‌های متفاوت اجرا شده است. بنابراین حمایت معیشتی آن زمان اثرگذار است که منابع آن پایدار باشد و خانوار بتواند روی تداوم آن حساب کند، نه اینکه اعتبار چند ماهه پس از مدتی جای خود را به مدل دیگری بدهد.

اگر برای یک سیاست حمایتی منبع مالی، گروه هدف و تکلیف قانونی مشخص شده باشد، انتظار طبیعی جامعه این است که نتیجه آن در خرید روزمره خانوار دیده شود و تأخیر در اجرا، تغییر مکرر سازوکار یا اعلام دوباره آمادگی برای اجرای طرح، بدون انتشار جزئیات قابل سنجش، فاصله میان تصمیم سیاست‌گذار و تجربه مصرف‌کننده را بیشتر می‌کند. منطق اقتصادی این سیاست آن بود که حمایت از کالاهای اساسی به جای آنکه در ابتدای زنجیره و از مسیر تخصیص ارز ارزان انجام شود، به شکل مستقیم‌تر به مصرف‌کننده برسد و چنین تغییری فقط وقتی از نظر اجتماعی قابل دفاع است که کاهش حمایت در یک حلقه با حمایت مؤثر در حلقه دیگر جبران شود و اگر ارز ترجیحی حذف یا محدود شود، اما جبران آن با تأخیر، اعتبار ناکافی یا پوشش ناقص همراه باشد، فشار قیمتی به خانوار منتقل و هدف اصلی سیاست از مسیر خود خارج می‌شود.

■ فاصله اعتبار حمایتی و هزینه واقعی بیشتر شده است

طبق گزارش‌های مبتنی بر آمار، تورم سالانه گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات در شهریور ۱۴۰۵ به ۱۰۸/۸ درصد رسیده، در حالی که تورم سالانه کل کشور ۷۳/۶ درصد بوده است. تورم نقطه‌به‌نقطه خوراکی‌ها نیز حدود ۱۲۲ درصد گزارش شده است، یعنی هزینه خرید سبدی مشابه از مواد غذایی نسبت به شهریور سال قبل بیش از دو برابر شده است. فشار بر دهک‌های پایین درآمدی شدیدتر است، چون سهم غذا در بودجه این خانوارها بالاتر است. بر پایه داده‌های شهریور، ضریب اهمیت خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات در سبد هزینه دهک اول ۴۲/۴ درصد و در دهک دوم ۴۲/۳ درصد بوده، در حالی که این سهم برای دهک دهم به ۲۵۱/۶ درصد رسیده است. بنابراین یک نرخ واحد تورم، اثر یکسانی بر همه خانوارها ندارد و خانوارى که تقریباً نیمی از هزینه خود را صرف خوراک می‌کند، از جهش قیمت مواد غذایی ضربه بسیار سنگین‌تری دریافت می‌کند.

همین اعداد معیار مهمی برای سنجش کالابرگ در اختیار دولت قرار می‌دهد و اگر اعتبار حمایتی افزایش پیدا کند، اما رشد قیمت کالاهای مشمول چند برابر رشد آن باشد، رقم اسمی حمایت الزاماً به معنای افزایش قدرت خرید نیست. به بیان ساده، برای خانواری که هزینه سبد غذایی‌اش با سرعت بیشتری از اعتبار حمایتی بالا می‌رود، افزایش عدد کالابرگ تنها بخشی از فشار هزینه را جبران می‌کند. در چنین اقتصادی، اعلام «فراهم شدن زیرساخت» به‌تنهایی خبر کامل نیست و جامعه باید بداند این زیرساخت دقیقاً برای چه طرحی آماده شده، چند خانوار را پوشش می‌دهد، اعتبار هر نفر چقدر است، منابع آن از کجا تأمین می‌شود و نخستین خرید با این اعتبار چه زمانی امکان‌پذیر خواهد بود و بدون پاسخ به این ابهامات، سنجش عملکرد دولت به مقایسه اعداد اعلام شده محدود می‌شود، در حالی که معیار واقعی باید قدرت خرید باشد.

این مطالبه از آن جهت جدی‌تر است که تجربه طرح‌های قبلی نشان داده تغییر مکرر مدل حمایت، خود هزینه سیاست‌گذاری ایجاد می‌کند و مدل‌های مختلفی از یارانه نقدی، کالابرگ، مشوق خرید و طرح‌های موقت اجرا شده و در برخی مقاطع تعداد دهک‌های مشمول با میزان اعتبار تغییر کرده است. یک سیاست رفاهی پایدار باید برای خانوار مشخص کند که چه حمایتی دریافت می‌کند و این حمایت تا چه زمانی و با چه سازوکاری ادامه خواهد داشت.

اکنون دولت از «طرح‌های نوین معیشتی» سخن می‌گوید، اما بخش مهم این عبارت هنوز برای مردم قابل اندازه‌گیری نیست، یعنی نوین بودن یک سازوکار، به خودی خود ارزش اقتصادی ایجاد نمی‌کند. اگر طرح جدید بتواند منابع را دقیق‌تر به خانوار هدف برساند، اتلاف را کاهش دهد و قدرت خرید را حفظ کند، ارزش سیاستی دارد، اما اگر صرفاً نام و شکل پرداخت تغییر کند و فاصله میان درآمد و هزینه باقی بماند، نتیجه برای مصرف‌کننده تفاوت چندانی نخواهد داشت.

دولت باید مشخص کند منابع طرح جدید چه میزان بوده و چه تعداد خانوار را پوشش می‌دهد و مهم‌تر از آن اعتبار به چه کالاهایی اختصاص می‌یابد و این حمایت بر اساس چه شاخصی تعدیل خواهد شد. در اقتصادی که تورم خوراکی‌ها به بالای ۱۰۰ درصد رسیده است، ثابت ماندن اعتبار حمایتی برای مدت طولانی عملاً به معنای کاهش ارزش واقعی آن خواهد بود. مسئله دیگر، نسبت این حمایت با سیاست ارزی است و اگر دولت قصد دارد منابع ناشی از اصلاح ارز ترجیحی را به مصرف‌کننده منتقل کند، باید زنجیره انتقال منابع تا خانوار قابل ردیابی باشد، در غیر این صورت، ممکن است سیاست از نظر حسابداری اجرا شده باشد، اما از نظر رفاهی به هدف نرسد. مردم با عدد منابع بودجه‌ای زندگی نمی‌کنند، بلکه اثر آن را در قیمت روغن، لبنیات، گوشت، برنج و سایر کالاهای روزمره می‌بینند.

به همین دلیل، سخن گفتن از آماده بودن زیرساخت‌ها باید آغاز مرحله اجرا تلقی شود و دولت پس از اعلام آمادگی، باید زمان اجرای طرح و جزئیات مالی آن را مشخص کند و مجلس نیز در مقام ناظر، میزان تحقق منابع و اصابت حمایت به خانوارهای هدف را بررسی کند و اگر قرار است کالابرگ جای بخشی از حمایت‌های قبلی را بگیرد، استمرار و قدرت خرید آن باید همزمان با تحولات قیمت‌ها سنجیده شود.

گزارش یک

سعیده زمانی

کاهش رشد نقطه به نقطه نقدینگی به ۵۱/۶ درصد در پایان شهریور

ترمز رشد نقدینگی کشیده شد

رئیس کل بانک مرکزی: با کنترل جدی بانک مرکزی بر پایه پولی و خلق نقدینگی بانک‌ها، رشد نقدینگی در ۶ ماه اول امسال به ۲۰/۷ درصد رسید



رشد نقدینگی یکی از مهم‌ترین متغیرهای توضیح‌دهنده روند تورم در اقتصاد است و بررسی آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد رشد نقطه به نقطه سالانه نقدینگی از ۵۴/۴ درصد مردادماه به ۵۱/۶ درصد در پایان شهریور رسیده است. رئیس کل بانک مرکزی روز گذشته با اشاره به کاهش شتاب رشد نقدینگی گفت: با کنترل جدی بانک مرکزی بر پایه پولی و خلق نقدینگی بانک‌ها، رشد نقدینگی در شش ماه اول امسال به ۲۰/۷ درصد رسید.

رشد نقدینگی به یکی از متغیرهای مهم اقتصاد تبدیل شده و نقدینگی نامی است که بر مجموع اسکناس و مسکوک موجود در بازار و سپرده‌های دیداری و غیردیداری نزد بانک‌ها گذاشته شده است. با این حال، حدود ۹۸ درصد نقدینگی را بخش دوم، یعنی سپرده‌های بانکی تشکیل می‌دهد. بانک مرکزی وظیفه دارد با استفاده از ابزارهای سیاست پولی و تنظیم ترازنامه شبکه بانکی، از رشد بی‌ضابطه نقدینگی جلوگیری کند. در همین راستا، سیاست‌های انضباطی پولی می‌تواند یکی از اجزای مهم برنامه کنترل تورم باشد. با این حال، تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که مهار تورم صرفاً با محدود کردن رشد نقدینگی امکان‌پذیر نیست و در اقتصاد ایران، عوامل پولی و غیرپولی به شکل همزمان عمل می‌کنند.

■ رشد نقدینگی کمتر از انتظار است

رئیس بانک مرکزی دوشنبه ۱۳ مهر با اعلام کاهش شتاب رشد نقدینگی در شهریورماه گفت: دشمنان در جنگ اقتصادی امیدوار بودند و هستند که با افزایش رشد روزافزون نقدینگی و در نتیجه تداوم رشد تورم، اقتصاد کشور را با التهابات مضاعفی مواجه کنند که به این نتیجه نخواهند رسید. عبدالناصر همتی افزود: بانک مرکزی در هماهنگی با دستگاه‌های ذی‌ربط به دنبال این است تا با کاراتر کردن تسهیلات بانکی و افزایش استفاده از ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای همزمان با کنترل رشد نقدینگی به تقویت رشد اقتصادی نیز کمک کند.

حسین درودیان، کارشناس پولی و بانکی، کاهش شتاب رشد نقدینگی در شرایط کنونی که کشور با مسائل ناشی از جنگ تحمیلی روبه‌رو است را دور از انتظار عنوان کرد و گفت: به دلیل اثر جنگ و فشار اقتصادی و کسری بودجه انتظار می‌رفت رشد نقدینگی بالا باشد. ضمن اینکه باید توجه کنیم تورم نقطه به نقطه ما در مرداد امسال ۹۰ درصد بوده است. رشد نقدینگی هم یک رشد نقطه به نقطه است، یعنی مرداد امسال نسبت به مرداد سال گذشته. بنابراین رشد نقدینگی ما ۴۰ واحد درصد از نرخ تورم پایین‌تر است. درودیان گفت: اینکه می‌گوییم این میزان رشد نقدینگی کمتر از انتظار است، به این دلیل است که طی بررسی وضعیت می‌بینیم که در اثر همین رشد نقدینگی در طول یک سال اخیر، تراز حقیقی پول در کشور کاهش پیدا کرده است، یعنی آن میزانی که ارزش مبادلات با تورم افزایش پیدا کرده، میزان پول متناسب با آن رشد نکرده است. این کارشناس پولی و بانکی ادامه داد: مجموعاً مسیر سیاست‌گذار در زمینه نقدینگی را یک مسیر انقباضی می‌بینم و این مسئله بالاخره آثار و تبعات خودش را دارد. نباید، به اصطلاح اقتصاددان‌ها، دچار «توهم پولی» باشیم، یعنی فکر کنیم مثلاً افزایش ۵۰ درصدی نقدینگی، افزایش خیلی زیادی است. باید آن را با تورم مقایسه کنیم و وقتی با تورم مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که افزایش زیادی نیست.

■ تسهیلات عامل اصلی رشد نقدینگی

بررسی آمارهای بانک مرکزی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۴، حاکی از نقش بسیار پررنگ تسهیلات بانکی در خلق نقدینگی است. گزارش‌ها نشان می‌دهد سهم تسهیلات بانکی از رشد نقدینگی از ۶۰ درصد سال ۹۰ به حدود ۸۰ درصد در پنج سال گذشته رسیده است. از این‌رو کارشناسان اصلاح نرخ سود، نظام تخصیص اعتبار، مدیریت کسری بودجه و نظارت بانکی را از مهم‌ترین راهکارهای مدیریت رشد نقدینگی عنوان می‌کنند.

محمد قائد امینی، کارشناس اقتصادی با بیان اینکه بخشی از رشد نقدینگی در کوتاه‌مدت ممکن است ناشی از الزامات موجود در اقتصاد مثل جنگ و تحریم دریایی و مرزی باشد، گفت: اگر نقدینگی از کانال‌هایی که به‌اجبار افزایش پیدا کرده‌اند رشد می‌کند، باید سایر کانال‌ها مثل تسهیلات بانکی تحت کنترل قرار گیرند. او یکی از این کانال‌ها را شبکه بانکی عنوان کرد و به ایسنا گفت: باید بررسی شود بانک‌ها تا چه اندازه به اشخاص مرتبط، زیرمجموعه‌های خود و شرکت‌های بزرگی که سپرده‌های کلان دارند، مجدداً تسهیلات پرداخت می‌کنند، به‌ویژه در مواردی که این تسهیلات ضرورت واقعی نداشته باشد، اما به دلیل دسترسی این مجموعه‌ها به منابع بانکی در اختیار آنها قرار می‌گیرد. این کارشناس اقتصادی با تأکید بر نقش بانک مرکزی در این زمینه اظهار کرد: سیاست‌گذار، به‌ویژه بانک مرکزی، باید اصابت تسهیلات به بخش حقیقی اقتصاد را کنترل کند و اطمینان داشته باشد که تسهیلات به بخش‌هایی اختصاص می‌یابد که واقعاً به آن نیاز دارند. او همچنین با اشاره به برخی محدودیت‌های اخیر در پرداخت تسهیلات برای خرید طلا و فعالیت‌های مالی مرتبط با آن گفت: اینکه اخیراً پرداخت تسهیلات به برخی فعالیت‌های مرتبط با خرید و فروش طلا محدود شده، نشان می‌دهد باید محل مصرف تسهیلات بانکی و نحوه تخصیص منابع با دقت بیشتری بررسی شود. این کارشناس اقتصادی تأکید کرد: اگر در شرایطی به هر دلیلی از جمله تأمین نیازهای بودجه‌ای، افزایش نقدینگی اجتناب‌ناپذیر باشد، باید در بخش‌های دیگر، به‌ویژه در شبکه بانکی، کنترل بیشتری صورت گیرد تا منابع ایجادشده در مسیر درست هزینه شود.

■ مهار نقدینگی بدون اصلاح بودجه، کافی نیست

کاهش شتاب رشد نقدینگی گام اولیه برای کنترل رشد تورم در ماه‌های آینده است. باید توجه داشت که سیاست‌های انضباطی بانک مرکزی برای کاهش رشد نقدینگی ضروری است، اما به تنهایی نمی‌تواند اقتصاد را از مسیر تورم بالا خارج کند. اگر بانک مرکزی موفق شود رشد نقدینگی را کاهش دهد، ولی همزمان کسری بودجه، شوک ارزی و محدودیت‌های تجاری ادامه داشته باشد، فشار تورمی همچنان باقی خواهد ماند. از سوی دیگر، اگر تنش‌های خارجی کاهش یابد، اما رشد نقدینگی و کسری بودجه بدون کنترل باقی بماند، دستاورد حاصل‌شده در بازار ارز و سمت عرضه نیز می‌تواند به‌تدریج از بین برود.

گزارش ۳

بهناز قاسمی

با تعیین ضرب‌الاجل از سوی وزیر راه و شهرسازی

ضوابط فنی پدافند غیرعامل در ساختمان‌ها بازنگری می‌شود

وزیر راه: دفتر مقررات ملی ساختمان موظف است ظرف ۲هفته آینده اصلاحات لازم را برای الزام احداث پناهگاه در ساخت‌وسازهای جدید و ساماندهی فضاهای عمومی ابلاغ کند

حمله امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران از خردادماه سال گذشته، نشان داد باید الزامات جدیدی در طراحی ساختمان‌ها در نظر گرفته شود، از جمله تهویه، سرویس‌های بهداشتی و تأمین آب، به‌خصوص در طبقات منفی و ساخت پناهگاه و اتاق امن در ساختمان‌های جدید و مراکز عمومی شهر از بایگانی‌ها خارج و در دستور کار دولت و شهرداری‌ها قرار گیرد. در این خصوص وزیر راه و شهرسازی با تعیین ضرب‌الاجل برای بازنگری ضوابط فنی پدافند غیرعامل در ساختمان‌ها، ضرب‌الاجلی تعیین کرده و می‌گوید: دفتر مقررات ملی ساختمان موظف است ظرف یک تا دو هفته آینده با تشکیل جلسات فشرده، بازنگری در مبحث ۲۱ مقررات ملی ساختمان (پدافند غیرعامل) را با فوریت کلیدزده و اصلاحات لازم را برای الزام احداث پناهگاه در ساخت‌وسازهای جدید و ساماندهی فضاهای عمومی ابلاغ کند.

با گذشت ۱۸ سال از تدوین مبحث ۲۱ مقررات ملی ساختمان با محور «پدافند غیرعامل»، الزام ساخت پناهگاه همچنان در حد بندهای قانونی باقی مانده است، بندهایی که نه در نقشه‌های ساختمانی جای گرفتند و نه در اولویت‌های مدیریت شهری. در زمان جنگ ایران و عراق ساخت پناهگاه، به‌ویژه برای ساختمان‌های عمومی و دولتی الزامی بود. حتی پس از احداث مترو، بنا بود ایستگاه‌ها نقش پناهگاه ایفا کنند. این موضوع در مبحث ۲۱ مقررات ملی ساختمان نیز با عنوان پدافند غیرعامل گنجانده شده بود، اما چون کسی تصور نمی‌کرد کشور دوباره با تهدید مواجه شود، این بند نیز به فراموشی سپرده شد. در این خصوص، سید محمود فاطمی‌عقدا، رئیس سابق مرکز تحقیقات مسکن با تأکید بر لزوم رویکرد آینده‌نگرانه در طراحی شهری می‌گوید: «کشوری مانند ایران که هم در معرض زلزله و هم در معرض تهدیدات امنیتی است، نیازمند ساخت پناهگاه‌های عمومی و خصوصی برای اسکان موقت در بحران‌ها و حفظ جان شهروندان است.» فاطمی‌عقدا همچنین به ایده «اتاق امن» در هر واحد مسکونی پس از زلزله بم اشاره می‌کند و می‌افزاید: چون پس از زلزله بم، دیگر زلزله بزرگی رخ نداد، از دستور کار خارج شد و هرگز اجرایی نشد. وی با اشاره به تهدیدات نوینی مانند حملات پهپادی، پیشنهاد بازنگری در مقررات ملی ساختمان را مطرح و تأکید می‌کند: ساختمان‌های بلندمرتبه باید در برابر انفجار و تخریب، الزامات فنی خاصی داشته باشند. به گفته وی، طی سال‌های اخیر، رشد صدور پروانه در بافت فرسوده تهران حدود شش برابر شده و ساختمان‌هایی که طبق مقررات جدید ساخته می‌شوند، تأییدیه‌های ایمنی لازم را دارند. با این حال، روند بازآفرینی شهری باید شتاب گیرد، زیرا بسیاری از مناطق همچنان فاقد تاب‌آوری لازم در برابر تهدیدات هستند.

■ اخذ پایان کار منوط به رعایت مبحث ۲۱ مقررات ملی ساختمان

فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی در جلسه شورای عالی شهرسازی و معماری با موضوع بررسی ضوابط پدافند غیرعامل و احداث پناهگاه‌ها، با اشاره به پیشینه وجود ضوابط ساخت پناهگاه در قوانین معماری و شهرسازی کشور می‌گوید: موضوع احداث پناهگاه در گذشته در ضوابط و مقررات ما وجود داشت، اما از دهه‌های گذشته با این تصور که دیگر جنگ یا حمله‌ای روی نخواهد داد، حالت اجباری آن حذف و به یک امر اختیاری تبدیل شد. به گزارش ایرنا، وی می‌افزاید: امروز حتی در کشوری مانند سوئیس که از امن‌ترین کشورهای جهان به‌شمار می‌رود، ساخت پناهگاه در ساختمان‌های جدید نخستین اولویت است و حتی برای تهدیدات سنگین‌تر و پیشرفته‌تر مانند حملات اتمی نیز پیش‌بینی‌های لازم صورت می‌گیرد. بنابراین نباید موضوعی به این درجه از اهمیت را به آینده موکول کرد.

وزیر راه و شهرسازی با تأکید بر اینکه افزایش احتمالی هزینه‌های ساخت نباید مانع از ارتقای ایمنی و پدافند غیرعامل شود، تصریح می‌کند: در گذشته زمانی که الزاماتی نظیر پنجره‌های دوجداره یا ضوابط سخت‌گیرانه آتش‌نشانی و دودبندها ابلاغ شد، در ابتدا مقاومت‌هایی به دلیل افزایش هزینه‌ها وجود داشت، اما زمانی که اعطای پایان کار مشروط به اجرای این ضوابط شد، سازندگان تمکین کردند و اکنون این موارد به یک استاندارد پذیرفته‌شده تبدیل شده است. در موضوع پناهگاه نیز باید همین قاطعیت اجرایی اعمال شود.

صادق با بیان اینکه با دشمنی روبه‌رو هستیم که به هیچ‌یک از اصول انسانی پایبند نبوده و از تسلیحات جدید و مخرب بهره می‌برد، می‌گوید: موکول کردن تصمیم‌گیری‌ها به آینده و عدم الزام قانونی، نتیجه‌ای جز تحمیل خسارات جانی جبران‌ناپذیر و ویرانی ساختمان‌ها نخواهد داشت، خساراتی که در نهایت بار مالی و اجرایی سنگین بازسازی را مجدد بر دوش شهرها و دولت می‌گذارد. وی با اشاره به تجربه دوران دفاع مقدس می‌افزاید: در دوران جنگ هشت‌ساله به‌محض به صدا درآمدن آژیر خطر مردم به مدارس پناه می‌بردند. بنابراین نباید در شرایط بحرانی همه امور و روند عادی زندگی جامعه به تعطیلی کشانده شود، بلکه باید با ایجاد زیرساخت‌های دفاعی و پناهگاهی، تاب‌آوری شهرها را ارتقا داد.

وزیر راه و شهرسازی درباره تجهیز فضاهای عمومی و استفاده از ظرفیت‌های شهری خاطرنشان می‌کند: بخش عمده‌ای از حفاظت شهری به تجهیز مراکز و فضاهای عمومی نظیر ایستگاه‌های مترو اختصاص دارد و در این راستا استانداران سراسر کشور متناسب با مقتضیات هر استان، موضوع تجهیز و ایمن‌سازی این مراکز را با اولویت‌بندی پیگیری و اجرایی کنند. صادق با تعیین ضرب‌الاجل برای بازنگری ضوابط فنی پدافند غیرعامل می‌گوید: دفتر مقررات ملی ساختمان موظف است ظرف یک تا دو هفته آینده با تشکیل جلسات فشرده، بازنگری در مبحث ۲۱ مقررات ملی ساختمان (پدافند غیرعامل) را با فوریت کلید زده و اصلاحات لازم را برای الزام احداث پناهگاه در ساخت‌وسازهای جدید و ساماندهی فضاهای عمومی ابلاغ کند.

مالیات اضافه حقوق‌بگیران سریع‌تر بازگردانده می‌شود

گزارش ۴

استرداد مالیات اضافه بر درآمد حقوق با تعیین مهلت حداکثر سه روز کاری برای واریز وجه، مسیر بازگشت مبالغی را که بیش از مالیات واقعی از حقوق کارکنان کسر شده است، کوتاه‌تر می‌کند و همزمان اداره‌های مالیاتی را به هماهنگی بیشتر برای رسیدگی به درخواست‌ها ملزم می‌سازد، اما دریافت این مبالغ به ثبت درخواست، احراز اضافه‌پرداخت و بررسی وضعیت بدهی مالیاتی وابسته است.

تغییر اصلی در این سازوکار، تعیین یک ضرب‌الاجل پس از مرحله احراز است، زیرا یکی از مشکلات رایج در فرایندهای مالیاتی، فاصله میان تأیید طلب مؤدی و پرداخت واقعی آن است. اکنون اداره کل امور مالیاتی دریافت‌کننده مالیات موظف شده است پس از دریافت اطلاعات لازم، مبلغ قابل استرداد را حداکثر ظرف سه روز کاری از محل وصولی‌های جاری به حساب ذی‌نفع واریز کند. این مهلت به معنای بازگشت سه روزه مالیات از زمان ثبت درخواست نیست و ابتدا باید اصل اضافه‌پرداخت احراز شود و وضعیت بدهی قطعی مؤدی نیز مشخص شود. ماهیت این تفاوت برای حقوق‌بگیران مهم است، چون مالیات حقوق معمولاً پیش از دریافت دستمزد توسط کارفرما کسر و به سازمان امور مالیاتی پرداخت می‌شود. در نتیجه، اگر میزان کسر شده بیشتر از مالیات نهایی متعلق باشد، مؤدی عملاً بخشی از درآمد خود را زودتر از موعد در اختیار دولت قرار داده است. کوتاه شدن زمان استرداد پس از تأیید، هزینه زمانی این فرایند را کاهش می‌دهد و از طولانی شدن چرخه بازگشت وجه جلوگیری می‌کند.

■ مسیر استرداد به وضعیت بدهی گره خورده است

نکته تعیین‌کننده، رابطه میان طلب مؤدی و بدهی‌های قطعی مالیاتی اوست. اگر فردی بابت مالیات دیگری بدهی قطعی داشته باشد، اضافه‌پرداخت حقوق مستقیماً به حساب شخص واریز نمی‌شود و ابتدا برای تسویه بدهی مورد استفاده قرار می‌گیرد. فقط در صورتی که مبلغ اضافه‌پرداختی بیش از بدهی قطعی باشد، باقی‌مانده به حقوق‌بگیر بازگردانده خواهد شد. این قاعده عملاً مانع آن می‌شود که دولت همزمان به مؤدی بدهکار باشد و همان مؤدی بدهی قطعی پرداخت نشده داشته باشد. فرایند جدید همچنین نقش اداره مالیاتی محل سکونت را پررنگ می‌کند. این اداره پس از بررسی درخواست و احراز شرایط، مشخصات و شماره شبای ذی‌نفع را برای اداره‌ای که مالیات را دریافت کرده است ارسال می‌کند. بنابراین سرعت پرداخت فقط به یک واحد اداری وابسته نیست و هماهنگی میان دو بخش نیز در نتیجه نهایی اثر دارد. الزام به تبادل اطلاعات و ارسال مستندات، مسیر مسئولیت اداری را روشن‌تر می‌کند و امکان پیگیری پرونده را افزایش می‌دهد. بخش فناوری نیز در این فرایند نقش مستقیمی دارد. فراهم شدن دسترسی برخط به اطلاعات حقوق، دستمزد و مالیات پرداختی، نیاز به دریافت دستی برخی اطلاعات را کاهش می‌دهد و بررسی اختلاف میان مالیات کسر شده و مالیات متعلق را ساده‌تر می‌کند. اگر این دسترسی در سامانه‌ها به شکل کامل عملیاتی شود، بخشی از مراجعات حضوری حذف خواهد شد و زمان رسیدگی نیز کاهش پیدا می‌کند.

■ ۳ روز کاری، پایان مسیر است، نه آغاز آن

سه روز کاری فقط مرحله‌ای را پوشش می‌دهد که اضافه‌پرداخت احراز شده و اطلاعات لازم برای استرداد در اختیار اداره دریافت‌کننده مالیات قرار گرفته باشد. بنابراین حقوق‌بگیر نباید این مهلت را به معنای دریافت قطعی وجه سه روز پس از ثبت درخواست تلقی کند. تعیین مهلت، انتظار نامحدود پس از تأیید را محدود می‌کند و در صورت اجرای منظم، قابلیت پیش‌بینی فرایند را برای مؤدی افزایش می‌دهد. از طرف دیگر، دسترسی برخط به داده‌های حقوق و مالیات، زمینه تصمیم‌گیری دقیق‌تر را فراهم می‌کند و احتمال رفت‌وبرگشت پرونده برای تکمیل اطلاعات را پایین می‌آورد. در نهایت، این سازوکار وقتی برای حقوق‌بگیران ملموس خواهد شد که سه بخش آن، یعنی درخواست باید به‌درستی ثبت و اضافه‌پرداخت و وضعیت بدهی بدون تأخیر بررسی شود و پس از تأیید، پرداخت در مهلت سه روز کاری انجام گیرد.

افزایش تولید جو با اصلاح سیاست‌های قیمتی شتاب گرفت

گزارش ۵

تولید جو پس از پشت سر گذاشتن دوره‌ای از افت سطح زیر کشت و کاهش انگیزه کشاورزان، با تغییر سیاست‌های اقتصادی و ایجاد شرایط رقابتی برای تولیدکنندگان داخلی وارد چشم‌انداز مثبتی شده است و برآوردهای جدید وزارت جهاد کشاورزی از افزایش ۱/۵ میلیون تنی تولید حکایت دارد و در صورت تداوم این روند، ظرفیت تولید جو کشور تا ۶ میلیون تن افزایش خواهد یافت.

جو یکی از محصولات مهم در زنجیره تأمین نهاده‌های دامی محسوب می‌شود و تغییرات تولید آن مستقیماً بر هزینه خوراک دام و در نهایت قیمت تمام‌شده محصولات پروتئینی اثر می‌گذارد. طی سال‌های گذشته، قرار گرفتن جو در گروه نهاده‌های دامی و تأثیر سیاست‌های ارزی، شرایط رقابت میان محصول داخلی و وارداتی را برای کشاورزان دشوار کرده بود. در چنین فضایی، بخشی از تولیدکنندگان ترجیح دادند زمین خود را به کشت محصولات دیگری اختصاص دهند و همین روند به کاهش سطح زیر کشت منجر شد. طبق آمار اعلام شده از سوی وزارت جهاد کشاورزی، سطح زیر کشت جو در سال گذشته حدود ۳۰۰ هزار هکتار کاهش پیدا کرد و افت تولید را به دنبال داشت. این کاهش در شرایطی رخ داد که هزینه‌های تولید شامل بذر، کود، ماشین‌آلات، نیروی کار و هزینه‌های مرتبط با آبیاری افزایش یافته بود و درآمد حاصل از فروش محصول برای بخشی از کشاورزان جذابیت گذشته را نداشت. تغییر سیاست قیمتی و فراهم شدن امکان کسب درآمد متناسب‌تر با هزینه‌های تولید، معادله اقتصادی کشت این محصول را تا حدی تغییر داده است. بازگشت و استقبال کشاورزان از کشت جو را می‌توان نشانه‌ای از واکنش مستقیم تولید به سیگنال‌های اقتصادی دانست. هرچه فاصله میان هزینه تولید و قیمت فروش کمتر شود، ریسک اقتصادی کشت نیز کاهش پیدا می‌کند و کشاورز انگیزه بیشتری برای حفظ یا افزایش سطح زیر کشت خواهد داشت.

■ تولید ۶ میلیون تنی به شرط حفظ صرفه اقتصادی

هدف‌گذاری تولید ۶ میلیون تن جو، در صورت تحقق، جایگاه تولید داخلی را در تأمین نیاز بازار تقویت خواهد کرد. برآورد وزارت جهاد کشاورزی از امکان تأمین ۹۰ درصد نیاز کشور با تولید داخلی حکایت دارد که نسبت به وابستگی بیشتر به واردات، مزیت قابل توجهی برای امنیت زنجیره خوراک دام ایجاد می‌کند. با این حال، رسیدن به این سطح تولید صرفاً با افزایش مقطعی قیمت خرید امکان‌پذیر نیست و استمرار سیاست اقتصادی مناسب برای کشاورزان اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد. تولیدکننده برای انتخاب جو به عنوان محصول کشت، علاوه بر قیمت فروش، هزینه نهاده‌ها، دسترسی به آب، عملکرد در واحد سطح و ریسک بازار را نیز محاسبه می‌کند. بنابراین اگر قیمت محصول برای مدتی افزایش پیدا کند، اما هزینه‌های تولید با سرعت بیشتری رشد کند، انگیزه ایجاد شده دوباره از بین خواهد رفت. از همین رو، حفظ رقابت‌پذیری تولید داخلی باید در کنار سیاست‌های قیمتی دنبال شود. دستیابی به تولید ۶ میلیون تن، علاوه بر افزایش سطح زیر کشت به ارتقای بهره‌وری و ثبات اقتصادی تولید نیاز دارد. در صورت فراهم شدن این شرایط، رشد تولید جو می‌تواند سهم واردات را کاهش دهد و بخش بیشتری از نیاز زنجیره دام و طیور را از ظرفیت داخلی تأمین کند.